

# The Citizenship Rights of Political Opponents in the Islamic Political System and Their Impact on Islamic Civilization-Building

Fatemeh Enteshari<sup>1</sup>, Ahmadreza Tavakoli<sup>2</sup>, Ehsan Aliakbari Babukani<sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD. student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran. [fatemeh\\_enteshari@yahoo.com](mailto:fatemeh_enteshari@yahoo.com)

<sup>2</sup> Department of Law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran (**Corresponding author**).  
[a\\_tavakolia@phu.iaun.ac.ir](mailto:a_tavakolia@phu.iaun.ac.ir)

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.  
[e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir](mailto:e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir)

## Abstract

In studies concerning modern Islamic civilization, a critical subject involves examining internal diversities within the Islamic civilizational environment; among the most significant issues related to such diversities are political opponents within the political system. Political opponents may be analyzed from various perspectives, one of the most crucial being their citizenship rights—a modern concept that can also be identified within the foundations of Islamic law (*sharī'ah*). This research primarily investigates the status of political opponents in Islam's political system from the perspective of the Holy Quran, focusing on their citizenship rights and its impact on the Islamic civilization-building process. Although citizenship rights initially appear as a modern concept stemming from liberal discourse, reflection upon Quranic teachings and Islamic legal principles reveals conceptual foundations of these rights even toward political opponents. Utilizing a qualitative method with an interpretive-analytical approach, this study selectively examines verses of the Holy Quran concerning opposition, tolerance (*tasāmuḥ*), patience (*ṣabr*), rationality (*'aqlāniyyat*), and justice (*'adālah*) toward others, analyzing them through authoritative Islamic commentaries (*tafāsīr*) and contemporary theories on civil society and religious governance. Findings demonstrate that while acknowledging societal diversity and opposition, the Holy Quran not only prohibits suppressing opponents but obligates the Islamic state to exercise patience, restraint, dialogue, and engagement with them; numerous verses emphasize principles such as human dignity (*karāmah insāniyyah*), invitation through wisdom (*ḥikmah*), and ethical treatment of opponents. Thus, upholding opponents' rights constitutes not a temporary expediency but a fundamental principle arising from divine justice (*'adl ilāhī*) in Islam's political order. Such an approach not only prevents social divergence but contributes to realizing modern Islamic civilization by strengthening participation, enhancing public trust, and promoting dialogue. Therefore, safeguarding opponents' citizenship rights represents an intellectual and structural necessity in the Islamic civilization-building process.

**Keywords:** Political opponents, Citizenship rights, Holy Quran, Islamic governance, Islamic civilization.

Received: 2024-11-18 ; Received in revised form: 2024-12-20 ; Accepted: 2025-01-08 ; Published online: 2025-04-09

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.2004817.2079>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## حق شهروندی مخالفان در نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر تمدن‌سازی اسلامی

فاطمه انتشاری<sup>۱</sup>، احمدرضا توکلی<sup>۲</sup>، احسان علی‌اکبری بابوکانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

fatemeh\_enteshari@yahoo.com

<sup>۲</sup> گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول). a\_tavakolia@phu.iaun.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir

### چکیده

در پژوهش‌های مرتبط به تمدن نوین اسلامی، از جمله موضوعات مهم، بررسی تنوعات موجود در محیط داخلی تمدن اسلامی است. چنانچه یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با تنوعات، مخالفان موجود در نظام سیاسی می‌باشند. مخالفان نظام سیاسی را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داد، یکی از مهم‌ترین این جنبه‌ها، حقوق شهروندی مخالفان است که به‌مثابه مفهومی مدرن می‌توان آن را در مبانی شریعت اسلامی نیز مشاهده نمود. هدف اصلی این پژوهش بررسی جایگاه مخالفان سیاسی در نظام سیاسی اسلام از منظر قرآن کریم، با تمرکز بر حقوق شهروندی آنان و تأثیر آن بر فرایند تمدن‌سازی اسلامی است. گرچه حقوق شهروندی در نگاه نخست مفهومی مدرن و برخاسته از ادبیات لیبرال تلقی می‌شود، اما با تأمل در آموزه‌های قرآنی و مبانی شریعت اسلامی می‌توان نشانه‌ها و بنیان‌های مفهومی این حقوق را حتی در قبال مخالفان سیاسی شناسایی کرد. پژوهش حاضر با روش کیفی و رویکرد تفسیری-تحلیلی، به مطالعه گزینشی آیات قرآن کریم پیرامون مخالفت، مدارا، صبر، عقلانیت، و عدالت در مواجهه با دیگران پرداخته و آن‌ها را با تفاسیر معتبر اسلامی و همچنین نظریات معاصر درباره جامعه مدنی و حکومت دینی مقایسه و تحلیل کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم ضمن پذیرش وجود تنوع و مخالفت در جامعه، نه‌تنها سرکوب مخالفان را تجویز نمی‌کند، بلکه حکومت اسلامی را موظف به صبر، خویش‌داری، گفت‌وگو و تعامل با مخالفان می‌داند. در بسیاری از آیات، اصولی چون کرامت انسانی، دعوت به حکمت، و برخورد اخلاقی با مخالفان برجسته شده‌اند. در نتیجه، رعایت حقوق مخالفان نه یک مصلحت موقتی، بلکه یک اصل بنیادین و برخاسته از عدالت الهی در نظام سیاسی اسلام است. چنین رویکردی نه‌تنها مانع واگرایی اجتماعی می‌شود، بلکه با تقویت مشارکت، افزایش اعتماد عمومی، و ترویج گفت‌وگو، به تحقق تمدن نوین اسلامی کمک می‌کند. بنابراین، پاسداشت حقوق شهروندی مخالفان، ضرورتی فکری و ساختاری در فرایند تمدن‌سازی اسلامی به‌شمار می‌آید.

**واژه‌های کلیدی:** مخالفان سیاسی، حقوق شهروندی، قرآن کریم، حکومت اسلامی، تمدن اسلامی.

**پژوهش حاضر برگرفته از:** رساله دکتری فاطمه انتشاری با عنوان «تحلیل احکام فقهی و حقوقی شهروند مخالف حاکمیت از منظر فقه امامیه» است.

**استناد به این مقاله:** انتشاری، فاطمه؛ توکلی، احمدرضا؛ علی‌اکبری بابوکانی، احسان (۱۴۰۴). حق شهروندی مخالفان در نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن

بر تمدن‌سازی اسلامی. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۱): ۸۳-۹۸. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.2004817.2079>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی تمدن‌سازی اسلامی، چگونگی مواجهه با تنوعات درون‌ساختاری در چارچوب یک نظام سیاسی واحد است. اینکه این تنوعات، به‌ویژه در قالب گرایش‌ها و گروه‌هایی که با جریان غالب هم‌سویی ندارند، چگونه باید مدیریت شوند و تا چه اندازه می‌توان با آنان وارد تعامل شد، مسئله‌ای اساسی در حکمرانی اسلامی و فرآیند تمدن‌سازی به‌شمار می‌رود. در این میان، چگونگی برخورد با مخالفان سیاسی و دینی در ساختار حکومت اسلامی، مسئله محوری پژوهش حاضر است. تعامل متوازن و عقلانی با شهروندان مخالف، نه تنها از منظر اجتماعی و اخلاقی قابل توجه است، بلکه در اندیشه سیاسی اسلام جایگاهی بنیادین دارد. این تعامل در راستای حفظ کرامت فردی و احترام به شأن انسانی تفسیر می‌شود؛ کرامتی که در هدف آفرینش انسان و مسیر کمال او نهفته است.

از منظر دینی، انسان در مسیر خودسازی و تکامل، با گسترش نقش اجتماعی خود می‌تواند به تعالی جمعی نیز یاری رساند؛ و این مهم زمانی تحقق می‌یابد که ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی به‌طور همزمان رشد کرده و در تعامل با یکدیگر موجب پیشرفت و شکوفایی تمدنی شوند. نمونه‌ای روشن از تحقق این نگاه، در پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قابل مشاهده است. ایشان با بهره‌گیری از فهمی عمیق از دین و با تکیه بر سعه صدر اسلامی، توانستند با وجود گروه‌های متکثر و مخالفان فکری و سیاسی، وحدت اجتماعی را حفظ کرده و انقلاب را به سرمنزل مقصود برسانند. این رویکرد، نه تنها یک تجربه تاریخی، بلکه یک مدل موفق از حکمرانی دینی بر مبنای مدارا، تحمل و مشارکت فراگیر است که می‌تواند زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی باشد.

از سوی دیگر، آموزه‌های قرآنی نیز به‌روشنی بر عدالت برای همه انسان‌ها تأکید دارند. آنگونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ ... لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، رسالت پیامبران الهی، تحقق قسط و عدالت در جامعه انسانی بوده است؛ نه برای گروهی خاص، بلکه برای همه مردم. بر این اساس، مفاهیمی چون کرامت، آزادی، عدالت و برابری، ریشه در تعالیم الهی داشته و رعایت آن‌ها مستلزم احترام به حقوق شهروندی تمامی اقشار جامعه، از جمله مخالفان است؛ حقوقی که رعایت آن‌ها، خود بستری برای شکل‌گیری تمدنی عدالت‌محور و انسانی فراهم می‌سازد. این پژوهش در پی آن است که با بازخوانی این اصول، به تبیین الگویی اسلامی برای مواجهه صحیح و کارآمد با مخالفان در جامعه معاصر دست یابد؛ الگویی که با مبانی قرآنی و تجربه تاریخی اسلام سازگار بوده و بتواند به تحقق تمدن نوین اسلامی یاری رساند.

## ۲. مفاهیم پژوهش

### ۲-۱. شهروند مخالف

کلمه «شهروند» از نظر لغوی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین، عمید و... تعریف نشده است. نخستین فرهنگ لغتی که به تعریف این واژه پرداخته، «فرهنگ فارسی امروز» است و چنین تعریف می‌کند: «شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد» (صدر افشار، ۱۳۶۹). از منظر اصطلاحی، شهروند به‌عنوان کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است، تعریف شده است (رضایی‌پور، ۱۳۸۵: ص ۹). واژه مخالف نیز کاربرد وسیعی در مباحث علمی و تعاملات سیاسی- اجتماعی دارد؛ که در همه علوم و دانش‌های دینی و غیردینی نیز همواره مورد استفاده قرار گرفته و متناسب با شرایط، معنا و تفسیر می‌گردد. به نظر می‌رسد در ادبیات سیاسی کشورهای گوناگون جهان، امروزه واژه اپوزیسیون، نزدیک‌ترین معنا به مخالف را داشته باشد. اپوزیسیون به نیروی سیاسی شکل‌یافته یا غیرمتشکل مخالف دولت یا قدرت مستقر گفته می‌شود؛ که برداشت از این مفهوم در نظام‌های سیاسی دموکراتیک و اقتدارگرا متفاوت است. در نظام‌های ایدئولوژیک و انقلابی نیز مفهوم اپوزیسیون، گستره بیشتری دارد. همین‌طور به‌لحاظ تقدم و تأخر زمانی در کاربرد این مفهوم، می‌توان گفت که برداشت از واژه اپوزیسیون در دهه‌های پیش با زمان حاضر، تفاوت‌های اساسی داشته است. در دموکراسی‌های کنونی، اپوزیسیون بر احزاب و گروه‌های سیاسی سازمان‌یافته‌ای دلالت دارد که مخالف حکومت مستقر هستند و تحت حمایت قانون از آن انتقاد می‌نمایند و در صورت کسب رأی اکثریت مردم در انتخابات آزاد، قدرت سیاسی و اداره امور کشور را به دست می‌گیرند. اما در نظام‌های اقتدارگرا، اپوزیسیون شامل نیروهایی است که مخالف پرسنل سیاسی حاکم یا سیاست‌های جاری و حتی کل نظام سیاسی می‌باشند و با آن به مبارزه برمی‌خیزند (بشیریه، ۱۳۸۸: ص ۷۴). اما این مفهوم در نظام سیاسی اسلام به مخالفان اقلیت‌های مذهبی و دینی و مخالفان سیاسی و فکری اطلاق می‌گردد. برای مثال، در زمان پیامبر (ص) کسانی که با ایشان و اهل‌بیت (ع) آن حضرت مخالفت می‌کردند، مانند یهود و نصارا، کسانی بودند که با ایشان اختلاف عقیدتی داشتند (یزدی، ۱۳۹۳: ص ۲۳). اما فراتر از تمامی معانی عنوان‌شده، واژه مخالف در پژوهش حاضر فارغ از اینکه مخالفت آنها در زمینه‌های اعتقادی و مذهبی یا سیاسی و فکری باشد، شامل چند دسته از افراد و شهروندان بوده که به قرار ذیل است: الف) شهروندان مخالفی که مطالبه‌گری به‌حق دارند. ب) شهروندانی که از سرگمراهی مخالفت می‌ورزند. ج) مخالفان مغرض و ایذاکنندگانی که امکان اصلاح و بازگشت آنها وجود دارد. د) معاندان و توطئه‌گران.

## ۲-۲. حقوق شهروندی

در مقدمه منشور حقوق شهروندی ایران مصوب سال ۱۳۹۵ عنوان شده است که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و خداوند، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم گردانیده است. به واقع، حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد به‌عنوان تبعه یک دولت-کشور از آن برخوردار بوده و محور تضمین قوانینی است که در هر جامعه، دولت موظف است به نمایندگی از اتباع خود آن را در چارچوب اعلامیه حقوق تصویب نموده و به اجرا بگذارد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۸: ص ۴۵). در ایران، در قوانین حاکم در جمهوری اسلامی نیز می‌توان مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی را در اصول نوزدهم تا بیست و یکم قانون اساسی که با عنوان حقوق ملت بیان شده است، مشاهده نمود.

## ۲-۳. تمدن‌سازی اسلامی

نمود عینی یک تمدن را باید در نتایج و آثار آن جست‌وجو کرد؛ آثاری که در بستر هنجارها، رسوم، عرف‌ها، فرهنگ‌ها و اخلاقیات حاکم بر یک جامعه شکل می‌گیرد. اگر این عناصر با آموزه‌های الهی پیوند یابند، مسیر تمدن به‌سوی رشد و تکامل معنوی سوق پیدا خواهد کرد. در تمدن اسلامی، علاوه بر مؤلفه‌هایی چون فرهنگ و سنن، دو عنصر عقلانیت و انسانیت نیز نقشی اساسی ایفا می‌کنند. از این‌رو، تحقق تمدن اسلامی مستلزم آن است که این عناصر با مقتضیات زمان و مکان هماهنگ شده و در قالب الگوهای اسلامی عملیاتی گردند. اگر ارکان مادی و معنوی تمدن از انسجام و نظام‌مندی برخوردار باشند و با هدف الهی آن هماهنگ شوند، زمینه گسترش و بالندگی آن فراهم می‌شود (پناهی، ۱۳۹۶: ص ۱۶۵). به‌علاوه، در شکل‌گیری تمدن اسلامی، نقش حاکمان اسلامی بسیار تعیین‌کننده است؛ چراکه ایشان با سیره و شیوه حکمرانی خویش، می‌توانند بسترهای تمدن‌سازی را با تکیه بر شاخص‌های الهی، به سمت تعالی سوق دهند. تحقق این امر در گرو رعایت همه‌جانبه حقوق شهروندان توسط حکومت است. پژوهش حاضر در پی آن است که با تکیه بر مدل مفهومی موجود، به تبیین رابطه میان متغیرهای مؤثر بر تمدن‌سازی اسلامی پرداخته و فرضیه پژوهش را در این چارچوب مورد آزمون قرار دهد. در این میان، تمدن‌سازی اسلامی به‌عنوان مفهوم محوری تحقیق، نقش راهبردی دارد و سایر مفاهیم در نسبت با آن معنا می‌یابند.

## ۳. مبانی حقوق شهروندی در نظام حقوقی - فقهی اسلامی

در مباحث ذیل، برخی مصادیق حقوق شهروندی که در اصل، منشأ ایجاد حق برای افراد بوده و می‌تواند بهانه‌ای در دست مخالفان باشد، بحث می‌گردد؛ تا بتوان موضوع را بهتر تشریح کرد.

### ۳-۱. کرامت انسانی

ریشه‌های کرامت انسانی از بدو ظهور اسلام است. خداوند، کرامت انسانی را بدون در نظر گرفتن شخص به بشر اعطا فرموده و به‌نوعی قائم به شخصیت ابناء بشری است که هرکس با هر مرام، نژاد، دین، قومیت و... را دربرمی‌گیرد. بنابراین، رفتار دولتمردان، تعیین قواعد حقوقی و هر نوع تعاملی با شهروندان، باید با حفظ اصل کرامت انسان همراه باشد؛ وگرنه از دیدگاه اسلامی، مردود و غیرقابل قبول می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۲). در پرتو این دیدگاه، محور اصلی حق کرامت در اسلام، همان «کرامت ذاتی یا طبیعی» بوده که خداوند آن را به انسان اعطاء نموده است. حقی که تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن و بی‌هیچ‌گونه استثنائی از آن برخوردارند و مخالف بودن، پناهنده بودن یا در اقلیت بودن یا آیین یا طبقه اجتماعی، در آن تأثیری ندارد و دولت اسلامی مکلف به رعایت آن است (قبرلی، ۱۳۹۹: ص ۱۰). این رویکرد کلان نسبت به کرامت انسانی، که مبنای اساسی حقوق شهروندی محسوب می‌شود، ایجاب می‌کند که حاکم اسلامی جامعه و اعضای آن را فارغ از نگرش‌ها و عملکردهای فردی، دارای شخصیتی مستقل و واجد کرامت ذاتی بداند. براساس بند ۶ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انسان موجودی با کرامت و ارزش والا است که علاوه بر آزادی، مسئولیت‌پذیر نیز می‌باشد. بنابراین، شهروند مخالف در نظام حکومت اسلامی نیز از این کرامت و ارزش برخوردار است و آزادی و مسئولیت او باید محترم شمرده شود. بدین ترتیب، صرف مخالفت سیاسی یا عقیدتی نمی‌تواند مبنایی برای نفی کرامت، آزادی و ارزش ذاتی فرد باشد.

### ۳-۲. آزادی عقیده در گفتمان شریف «لااکراه فی الدین»

نگاه جهان‌شمول دین اسلام در بردارنده این واقعیت است که اسلام به‌عنوان دین حق و توحید باید همه‌جا را فراگیرد و هر انسانی مسئول است که بیندیشد و با شعور خویش به مبدأ و معاد ایمان بیاورد و عقیده کفرآمیز را رها کند. این باور دو حق را ایجاد می‌کند. نخست، حقوق برای شهروندانی که آن را پذیرفته‌اند و دیگر، حقوق شهروندانی که به‌واسطه داشتن دین و اندیشه‌ای دیگر و یا عدم تعقل و تفکر کافی در این حوزه، اسلام را به‌عنوان چراغ راه خود نپذیرفته‌اند. پس، در پرتو این باور قرآنی که نمی‌توان افراد را به ایمان آوردن مجبور کرد، این دسته از شهروندان نیز دارای حقوق مدنی خود در جامعه اسلامی هستند. این نگاه، مبنای اساسی حقوق شخص در جامعه را اینگونه عنوان می‌نماید که تحمیل نمودن عقیده با اجبار و اکراه، از دیدگاه اسلام نه عملی و نه جایز است. مهم، تبلیغ حق و تبیین مکتب توحید و آگاه نمودن انسان به وظیفه و مسئولیت خویش است

(قنبری، ۱۳۹۹: ص ۱۰). این صراحت را می‌توان در سوره‌های مختلفی از قرآن مشاهده کرد، از جمله آیه ۹۹ سوره مبارکه یونس که خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»، «اگر خدای تو می‌خواست، اهل زمین همه ایمان می‌آوردند. آیا تو می‌خواهی تا به جبر و اکراه همه را مؤمن و خداپرست گردانی؟». تا این میزان اشاره به عدم اکراه و آزادی در عقیده در حکومت اسلامی، تعریفی موسّع از حقوق شهروندی است که ذهن و باور مسلمانان را با آن پرورش داده‌اند. پرداختن به حقوق اساسی افراد در گفتمان اسلامی موضوع تازه‌ای نیست که به تازگی مطرح شده باشد، بلکه از دیرباز در متون دینی و قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی و شهروندی، در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور مستمر و جاری دارد. اگر بخواهیم دو رکن اساسی حقوق شهروندی در اسلام را معرفی کنیم، این دو رکن عبارتند از: کرامت انسانی و آزادی عقیده. در این چارچوب، همه انسان‌ها با هر نوع گرایش فکری و اعتقادی، شایسته احترام و تکریم هستند. اصل بیست‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این حق تأکید دارد و تصریح می‌کند: «هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض یا مؤاخذه قرار داد». این اصل نشان‌دهنده جایگاه مهم آزادی عقیده به عنوان یکی از بنیان‌های حقوق شهروندی در نظام اسلامی است. بر همین اساس آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) نیز به صراحت اعلام می‌دارد که اجبار در دین پذیرفته نیست و هر فرد باید آزادانه به انتخاب دین و باور خود بپردازد، که این امر پایه‌ای محکم برای احترام به آزادی عقیده در اسلام به شمار می‌آید.

#### ۴. سازوکارهای قرآنی حفظ حقوق شهروندی مخالفان

در حیطه این موضوع آیاتی وجود دارد که به‌صورت مستقیم، دو مؤلفه تحکم در مقابل متخلف و حقوق طبیعی افراد در جامعه را مد نظر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، در آیات پایانی سوره نحل، دستوراتی وجود دارد که می‌توان آن را به‌عنوان یک روش عملی مؤثر در برخورد با مخالفان به‌کار گرفت. رویکردهایی که با مد نظر قرار دادن حقوق شهروندی اشخاص، در عین حال با آنها با تحکم برخورد نموده و به آنها این باور را القاء می‌کنند که زمانی از سوی جامعه دارای امنیت هستند که عناد را در مقابل حکومت اسلامی کنار بگذارند. بنابراین، نقش رهبران جوامع دینی، عبور دادن مردم و جوامع، از ظلمت‌ها و گمراهی‌ها و پرتگاه‌های سقوط به سوی روشنایی و موفقیت و کمال است. قرآن کریم در سوره ابراهیم، رسالت و وظیفه پیامبر خاتم را چنین بیان می‌کند: «که آن را به‌سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به‌سمت روشنایی

بیرون آوری، به سوی راه آن شکست‌ناپذیر مورد قبول» (ابراهیم: ۱). علامه طباطبایی با توجه به سیاق آیه می‌فرماید: منظور از ناس، همه مردم هستند نه تنها قوم پیامبر (ص) (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ص ۱۲). این رویکرد به موجب سوره مبارکه نحل در اصولی مورد اشاره قرار گرفته و همانطور که بیان شد، شأن نزول این اصول، بیان صبر و شکیبایی پیامبر (ص) به عنوان حاکم جامعه اسلامی نسبت به هر نظری اعم از موافق و مخالف است.

در آیه ۱۲۵ سوره نحل، خداوند می‌فرماید: «أذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ»، «به وسیله حکمت به سوی راه پروردگارت دعوت کن». معنای نخست واژه حکمت راه، از ریشه (حکم) و بازداشتن چیزی از فساد و تباهی دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۳۷۹: ص ۹۱؛ فراهیدی، ۱۳۸۴: ص ۶۶). حکمت، انسان را از جهل و کار زشت بازمی‌دارد (جوهری، ۱۳۷۸: ۱۹۰۲). بنابراین، حکمت که در آیه مبارکه مزبور آمده است، مبین انجام عقلانی امور در رفتار با شهروندان در جامعه و واکنش‌های منطقی به اختلافات مختلف است. به تعبیر دیگر، دست‌انداختن در درون فکر و اندیشه مردم، به حرکت درآوردن آن و بیدار نمودن است. این موضوع می‌تواند، هم در راستای پیشگیری از خودکامگی و هم در رابطه متقابل حاکم و شهروند حتی در مقابل صداهای مخالف مورد بهره باشد؛ و می‌تواند در پرورش تمدن اسلامی نیز مؤثر باشد. از همین رو، حضرت امیر(ع) خطاب به یکی از والیان می‌فرماید: «تو حق نداری نسبت به رعیت، استبداد ورزی» (نهج البلاغه، نامه ۵). اگرچه این گفتار از حضرت امیر(ع) به بیانی عام و کلی بیان شده است؛ اما می‌توان از آن، جهات مختلفی را برداشت نمود که یکی از آنها رفتار عقلانی حاکم با شهروندان اعم از شهروندان مطیع و مخالف است؛ چراکه احسان و خرج عقلانیت، خود نشانه تمدن بوده و نبود آن ممکن است تمدن اسلامی را به ورطه عقب‌افتادگی بکشاند. مورد دوم در سوره نحل، آیه ۱۲۵ است که خداوند می‌فرماید: «... والموعظه الحسنه»، «به وسیله اندرزهای نیکو». این گام دوم در مسیر دعوت به طریق خدا است و در حقیقت، بهره بردن از عواطف انسان‌ها است. از این رو که موعظه‌گری بیشتر جنبه عاطفی دارد و با تحریک آن، می‌توان گروه‌های عظیم مردم را در مسیر حق حرکت داد؛ همانگونه که در کتاب «تفسیر نمونه» نیز بعد عاطفی موعظه حسنه، مورد توجه قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ج ۱۱، ص ۴۹۲).

سومین درس مهمی که خداوند به واسطه این سوره در مورد نحوه حکومت‌داری در بازخورد با مخالفان به حاکم اسلامی می‌دهد، این است که: «و جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، «و با آنها [یعنی مخالفان] به طریقی که نیکوتر است مناظره کن». ره‌آوردی که مدعیان دموکراسی به‌تازگی آن را پیشه راه خود نموده‌اند؛ اما هزار و چهارصد سال قبل، خداوند آن را در اسلام به‌عنوان یک اصل و مؤلفه به حکمران اسلامی (اعم از

پیامبر (ص)، امامان (ع) و حاکمان دیگر) گوشزد کرده است. مرحله سوم، مخصوص کسانی است که ذهنشان از مسائل نادرستی پر شده، که باید از طریق مناظره آنها را به راه راست هدایت کرد، تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند. بدیهی است مناظره نیز زمانی مؤثر است که: «بالتی هی احسن» باشد و حق و عدالت، درستی و امانت، صدق و راستی، حاکم بر آن باشد و تمام جنبه‌های انسانی آن حفظ گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ج ۱۱، ص ۴۹۳). رفتار پیامبر (ص) با مخالفان فرهنگی، همراه با مماشات، مدارا و گفت‌وگو بود (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ص ۷)؛ در مقابل آنان استدلال می‌کرد تا بپذیرند، دلاییشان را می‌شنید و پاسخ آنها را می‌داد و مادام که اقدام نظامی انجام نمی‌دادند در امان بودند و تحمل می‌شدند. برای نمونه، می‌توان به رفتار پیامبر (ص) در جریان داستان افک و بهتانی که به همسر ایشان نسبت داده شد، اشاره کرد که مهم‌ترین حادثه شخصی، خانوادگی و جمعی برای پیامبر (ص) و مسلمین بود و لیکن در جریان آن، پیامبر (ص) حکم به بازداشت هیچ‌کس نداد (ایمانی سطوت، ۱۳۸۵: ص ۲۱۰). اقدامات پیامبر (ص) از قبیل ایجاد پیمان برادری میان مهاجرین و انصار، تقبیح هرگونه نژادگرایی، حرکت به سوی حذف برده‌داری با اتخاذ سیاست‌هایی از قبیل احکام آزادسازی بردگان در قبال قصور در انجام اعمال دینی توسط مالکین بردگان و... بیانگر این مطلب است که رعایت حقوق شهروندی در کنار ایجاد حکومت اسلامی از مؤلفه‌های اصلی سیاست دولت حق محور اسلام بود (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ص ۷). این مسیر به قطع، مسیری به سمت ایجاد یک تمدن بزرگ بود که در جایگاه جهانی، تمام قاره‌ها را طی نمود و در قلوب مردمان نفوذ کرد. در پایان آیه بیان می‌کند: «پروردگار تو از هرکسی بهتر می‌داند چه افرادی گمراه شده و چه کسانی هدایت شده‌اند» و این بخش، به این نکته اشاره دارد که وظیفه شما دعوت به راه حق است؛ اما چه کسانی در نهایت هدایت می‌شوند و چه افرادی در راه گمراهی پافشاری خواهند کرد؟ این را فقط خدا می‌داند و بس. این احتمال هست که منظور از این جمله، علتی باشد برای دستورات سه‌گانه که در فراز نخست آیه مبارکه ۱۲۵ آمده بود. از آن‌رو که تنها خدا است که می‌داند عامل تأثیر در گمراهان و وسیله هدایت آنها چه عاملی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ج ۱۱، ص ۴۹۳). به هر حال، آیه فوق، سه راهکار برای حاکم اسلامی در نظر می‌گیرد که هریک مؤلفه و اساسی برای حقوق شهروندی افرادی است که به‌نوعی خود را مخالف حکومت اسلامی می‌دانند.

در مرحله بعد، اگر درگیری حاصل شد و آنها دست به تعدی و تجاوز زدند، دستور می‌دهد: «اگر خواستید مجازات کنید، فقط به مقداری که به شما تعدی شده، کیفر دهید» و نه بیشتر؛ «و ان عقابتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به». این رویکرد، حقی برای شهروند احراز می‌نماید که در قالب حق قضایی وی قابل بررسی است؛ چراکه در این مقطع، حاکم اسلامی ناچار به واکنش می‌باشد. برخی اجرای حدود در اسلام منوط به تحقق

شرایط و مقدمات بسیار است و باید جهات بسیاری را از روی کمال عدالت و توجه به اینکه اسلام در کلیت خود اجرا گردد، در نظر گرفت (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۴، ص ۲۴۷). راهکار بعدی که قرآن به حاکم اسلامی گوشزد می‌کند، مضمون آیه ۱۲۶ سوره نحل می‌باشد که می‌فرماید: «وَلَيْنَ صَبْرُكُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ»، «چنانچه شکیبایی پیشه کنید و عفو و گذشت، این عمل بهتر است». همانند عفو و گذشتی که در تاریخ سرگذشت فتح مکه وجود دارد. این عفو، گذشت، شکیبایی و صبر، تنها زمانی مؤثر است که بدون هیچ چشم‌داشتی انجام شود؛ یعنی فقط به‌خاطر خدا باشد و لذا، در قرآن می‌فرماید: «واصبر و ماصبرک الا بالله»، «شکیبایی کن و این شکیبایی تو به غیر از خدا و به توفیق پروردگار نمی‌تواند باشد». این آموزه را می‌توان در سیره امام علی (ع) به خوبی مشاهده نمود. هنگامی که حضرت تصمیم گرفت از ربنه به‌سوی بصره عزیمت کند. آنجا که امام در پاسخ رفاعه بن رافع، دفاع از خود را در چند مرحله مماشات قرار داد. بنابراین، در سیره امام علی (ع) در مقاطع مختلف زمانی، شکیبایی و اغماض مبتنی بر عفو و بخشودگی حاکمیت داشته است. در ادامه آیه، خداوند با این اصطلاح که: «وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ»، «بر آنها اندوهگین مباش»، بیان می‌کند که این حزن و اندوه که به‌خاطر عدم ایمان آنها می‌باشد، ممکن است یکی از این دو مورد را در انسان به‌وجود آورد؛ یا او را برای همیشه دلسرد سازد و یا او را به جزع، بی‌تابی و بی‌حوصلگی وادارد. چالشی که جایگاه شیطان بوده و ممکن است حاکم را به امری گمارد که مثل چاقویی تیز، عملکردی نامتوازن و علیه اسلام و حکومت اسلامی داشته باشد. به‌دلیل همین موضوع است که خداوند در این مرحله نیز دعوت به صبر و شکیبایی کرده و می‌فرماید اندوهگین و مأیوس نشوید؛ یعنی در راه دعوت به‌سوی حق، نه بی‌تابی کن و نه مأیوس باش (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ج ۱۱، ص ۴۹۶). در گام دیگر، اگر مجدداً چنین عملکردی نتوانست بر وجود و قلوب این افراد نرمی ایجاد کند و کماکان بر مخالفت خود نسبت به حکومت اسلامی و مردم لجاجت ورزیده و توطئه کنند؛ در چنین شرایطی موضع‌گیری صحیح همان است که قرآن می‌فرماید: «ولا تک فی ضیق مما یمگرون»، «از توطئه آنها نگران نباش و محدود نشو».

### ۵. ارکان تمدن‌سازی در اسلام و تأکید بر حفظ حقوق شهروند مخالف

برای یافتن الگوی تمدن اسلامی باید دو رکن آن، یعنی انسان و جامعه مورد توجه قرار گیرند. انسان در این میان کلمه‌ای است که براساس آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر (ص)، بنیاد تحولات و تغییرات اجتماعی هدفمند در جوامع بشری را تشکیل می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»، «خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند» (رعد، ۱۱). زاویه

نگاه قرآن به تحولات اجتماعی و توسعه و تمدن بشری، بر چنین نگرشی بنا شده است؛ زیرا در این آیه به خوبی بیان می‌شود که توسعه و تحول اجتماعی، بر پایه تحول درونی افراد استوار است. انسان دارای دو عنصر اصلی اندیشه و اراده است که با در کنار هم قرار گرفتن این دو ویژگی، اهداف انسان در جهان خارج محقق می‌گردد. حال این انسان در ابعادی وسیع‌تر و جهان‌شمول تا میزانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که کل جامعه را به سمت شکوفایی و تمدن سوق دهد و غایت‌مندی و هدف‌محوری در این زمینه به صورت دستوری و هنجاری، نه تنها ناظر به انسان که ناظر به کل نظام عالم است و یکی از ادعاهای آن، ارتباط، پیوستگی و تأثیرگذاری اجزای عالم بر یکدیگر می‌باشد (کرمی و میرید، ۱۳۹۷: ص ۸۹). به واقع، مبنای اصلی تمدن‌سازی به بهترین وجه در اسلام، رویکردهایی است که محوریت را در رعایت حقوقی دانسته که خداوند برای بشر واحد و در اجتماع تعریف نموده و آن را به عنوان یک حق طبیعی در قاموس حیات آنها قرار داده است. در یکی از تعاریف از تمدن چنین آمده است: تمدن زمانی پدید می‌آید که قوانین مدنی (حقوقی) جای قوانین نظامی بنشیند (نوروزی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۸). بر این اساس است که مدنیت و شهروندی، خلق می‌شود. برای تمدن‌سازی نیز یکی از قوانینی که می‌بایست مدنظر قرار گیرد، حقوق شهروندان مخالف است.

همین امر و نیز مطالعه تاریخ تمدن اسلام به خوبی گویای آن است که هم فرآیند شکل‌گیری و هم پویایی تمدن اسلامی، ارتباط تنگاتنگی با حضور فعال و مؤثر عدالت و برابری در عرصه اجتماع داشته است. سیر نزولی تمدن اسلامی زمانی آغاز شد که حضور مؤثر دین واقعی و بدون زرق و برق‌های دنیوی و یا آرایه‌های خودخواهانه، در عرصه اجتماع رو به کاهش نهاد. پس خواسته‌های نفسانی در قالب خردستیزی، استبداد، تنبلی و تن‌پروری، قدرت‌طلبی و رفاه‌جویی، جای آموزه‌های بلند اسلامی را گرفت (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶: ص ۲۴). به هر ترتیب، یکی از مظاهر تمدن‌سازی در هر مکتب، به ویژه اسلام، توجه به حقوق طبیعی شهروندان است که در هر برهه از زمان، در هر شکل از تفکر و اندیشه بدون تحریف واژگان، رعایت آن باید توسط حاکم اسلامی تضمین گردد. حقوق بشر به طور عام و حقوق شهروندی در پرتو حقوق بشر در نحوه تعامل با اقلیت‌ها روایت تازه‌ای از حقوق طبیعی است؛ که ادعایی گزاف نیست اگر گفته شود در نظام حقوقی اسلام در اوایل پیدایش، مورد شناسایی قرار گرفته بود و همچنان با ابعادی گسترده‌تر در ایران با زعامت جمهوری اسلامی در حال اجرا است. نقطه اوج این تفکر انسانی و عدالت‌محور، زمانی نمایان می‌گردد که بتوان آن را به سمت حکومتی جهانی و تمدنی بزرگ سوق داد و این حقوق برای مخالفان و هنجارگریزان در جغرافیای حاکمیت اسلامی محرز شده و به اجرا درآید. لذا، برای رسیدن به چنین جایگاهی، نگاه شرعی صرف، بدون مؤلفه‌های اخلاقی و عرفی به‌نوعی در ایجاد تمدن‌سازی، ناقص بوده و در زمان و مکان، دچار

مشکلاتی می‌گردد؛ تا آنجا که حتی می‌تواند باعث دین‌گریزی گردد. امروزه دین، برای تحقق تمدنی مبتنی بر نگاه شهروندمدارانه به تمامی مخالفان، ناگزیر است که در کنار قواعد عرفی و حقوق موضوعه، این چالش را مدیریت کند؛ امری که دین اسلام نیز از طریق احکام امضایی به آن آشنا و ملزم است. به عبارت دیگر، رعایت حقوق طبیعی و انسانی مخالفان نباید صرفاً بر پایه هم‌کیش بودن یا خدا‌باور بودن آنان صورت گیرد، بلکه باید به عنوان انسان‌هایی که واجد شأن و کرامت ذاتی هستند و اخلاق اسلامی بر حفظ حقوق آنان تأکید دارد، در چارچوبی الهی به‌درستی رعایت شود.

یکی از عناصر مهم در این زمینه، مدارا است. مدارا با مخالفان از سوی حاکم اسلامی، نه به معنای مماشات و چشم‌پوشی ساده‌انگارانه، بلکه براساس دستورهای صریح کلام خدا، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) است. این نوع مدارا، نوعی برخورد هوشمندانه، منصفانه و عادلانه است که حقوق مخالفان را محترم می‌شمارد و همزمان وحدت و ثبات جامعه اسلامی را حفظ می‌کند. همچنین فرصت را برای مخالف و هنجارگریز حکومت اسلامی مغتنم می‌شمارد تا قلوب آنها روشن شود. پس، مدارا به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی حقوق شهروندی در جوامع معاصر شناخته می‌شود. مداراجویی بیش از هرچیز به گروه‌های سرکوب‌شده و ناپیدای جامعه مشروعیت می‌بخشد و بدین‌سان به آنان توان رقابت برای دستیابی به منابع موجود را می‌دهد (والترز، ۱۳۹۱: ص ۸۸). با توجه به پذیرش دیدگاه‌ها و آرای مختلف و نیز مخالف، نمود حق‌پذیرش انتقاد از سوی حاکمان به‌صورت مدارای با شهروندان خواهد بود. مدارا به‌عنوان یکی از خصوصیات اصلی حقوق شهروندی اسلام، ناظر بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان است (محمدی سلیمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶)؛ موضوعی که نزد حاکم اسلامی باید برجسته‌تر و گسترده‌تر وجود داشته باشد. این مهم را می‌توان در قرآن کریم و از زبان خداوند که به پیامبر (ص) می‌فرماید: «فبما رحمة من الله لنت و لم و لو كنت فظا غليظ القلب لا تقضوا من حولك فهعف عنهم...» جست‌وجو نمود. بنابر این آیه: «پس به رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو بودی، قطعاً از اطراف تو پراکنده می‌شدند». از دید کلی اسلام و از چشم‌انداز وجود خدایی، حاکم اسلامی (پیامبر، امام و...) باید در مقابل مخالف، نرم‌خو و مهربان باشد. رسول اکرم (ص) در تأکید بر مدارای حاکم اسلامی نسبت به مخالفان به‌عنوان حق‌شهروندی آنها می‌فرماید: «مداراة الناس نصف الإيمان و الرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ»، «مدارا کردن با مردم نصف ایمان؛ و نرمی و مهربانی کردن با آنان، نصف زندگی است» (کلینی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۱۵۵). همچنین، در بازخورد با حق‌شهروندی مخالفان در گستره جامعه اسلامی، عقلانیت و اندیشه‌ورزی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، اصلی است که در صورت عدم توجه به آن، ناخواسته دچار نقص فاحش حقوق افراد به‌ویژه مخالفان در جامعه می‌شویم. این

گفتمان و تجویز عقل‌گرایی و خردورزی برای حاکم اسلامی، بیان سیره‌ای است که در تاریخ اسلام به زبان و نحوه‌های مختلف به آن اذعان شده و علمای بزرگ دین در تفسیر آیات و روایات، آن را برای حاکم به‌عنوان چراغی در شب حکومت تلقی کرده‌اند. در پرتو خردورزی و عقلانیت عملکردی که منشأ آن قرآن است؛ مجادله احسن و گفت‌وگو با شهروند به‌عنوان یک اصل در چارچوب احیای حقوق برای آنها پذیرفته شده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی مخالفان در نظام سیاسی اسلام، علاوه بر آنکه ریشه در آموزه‌های عمیق قرآنی و سیره نبوی دارد، نقش بنیادی و راهبردی در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر نشان داد که رعایت اصول کرامت انسانی، آزادی عقیده و مدارا با مخالفان، نه تنها از نظر اخلاقی و دینی واجب است، بلکه به عنوان یک اصل ذاتی، ضامن انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی و توسعه پایدار در جوامع اسلامی به‌شمار می‌رود. مطالعه دقیق‌تر سیره علوی و آموزه‌های قرآن کریم، نشان می‌دهد که مدارا و شکیبایی حاکم اسلامی نسبت به مخالفان، راهکاری کارآمد برای پیشگیری از تنش‌ها و تعمیق همبستگی اجتماعی است. همچنین، درک صحیح از حقوق شهروندی مخالفان، حاکمیت را قادر می‌سازد تا با بهره‌گیری از قواعد عرفی و حقوق موضوعه، به گونه‌ای منعطف و مقتدرانه، شرایطی را فراهم آورد که نه تنها حقوق انسانی آنان حفظ شود، بلکه مشارکت فعال آنان در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز تسهیل گردد. این امر به نوبه خود، فرآیند تمدن‌سازی اسلامی را تسریع و تعمیق می‌بخشد.

براساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- ۱) در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام اسلامی، توجه ویژه‌ای به گسترش فرهنگ مدارا و احترام به حقوق مخالفان به عنوان بخشی از آموزش‌های دینی و سیاسی شود.
- ۲) قانون‌گذاری‌ها و مقررات مرتبط با حقوق شهروندی، با هدف تأمین عدالت و کرامت انسانی، متناسب با آموزه‌های اسلامی بازنگری و تقویت شوند.
- ۳) نهادهای حکومتی و قضایی آموزش‌های تخصصی درباره حقوق مخالفان و شیوه‌های تعامل عقلانی و انسانی با آنان دریافت کنند، تا از بروز نقض حقوق و تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود.
- ۴) پژوهش‌های میدانی و جامعه‌شناسی در زمینه تجربه‌های موفق برخورد صحیح با مخالفان در جوامع اسلامی انجام شود تا مدل‌های عملیاتی مناسبی طراحی و اجرا گردد.

۵) به شهروندان در قالب آموزش‌های حقوق شهروندی، محدوده قانونی رفتارهای اعتراض‌آمیز و اصلاح‌گرایانه نشان داده شود تا در هنگام اعتراضات و مخالفت‌های مدنی بصیرت داشته و مسیر خود را از مغرضان و براندازان جدا کنند.

در نهایت، به نظر می‌آید رعایت حقوق شهروندی مخالفان نه تنها یک ضرورت اخلاقی و دینی در راستای ایجاد امنیت، ثبات و ترقی درون جوامع برای جوامع اسلامی است، بلکه شرطی راهبردی برای تحقق تمدن اسلامی در سرتاسر جهان است، به گونه‌ای که بتواند ضمن پاسداشت کرامت، آزادی و مسئولیت، الگویی پایدار و قابل اتکاء در عرصه بین‌المللی ارائه نماید. این رویکرد می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر نظام‌های سیاسی و فرهنگی نیز باشد و به ارتقای فهم جهانی از حقوق بشر در بسترهای دینی کمک کند.

## منابع

## قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد (۱۳۷۹). معجم مقاییس اللغة. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ایمانی سطوت، علی (۱۳۸۵). حقوق شهروندی در حکومت نبوی. حکومت اسلامی، شماره ۴۲.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸). دولت عقل. تهران: علم نوین.
- پناهی، علیرضا (۱۳۹۶). قومیت‌ها و انسجام ملی. پژوهش‌های سیاسی، (۱)۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). حق و تکلیف. قم: انتشارات اسراء، چاپ هفتم.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۹۸). منشور حقوق شهروندی: ارزیابی نقادانه از منظر میان‌رشته. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۳).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، چاپ چهارم.
- رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵). مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی. تهران: انتشارات آریان.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی امروز. تهران: نشر کلمه.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۲.
- فراهیدی، عبدالرحمن (۱۳۸۴). العین. قم: انتشارات: دار الهجره، چاپ سوم.
- قنبری، مهدی (۱۳۹۹). درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در پرتو حقوق عمومی اسلام. فقه و تاریخ تمدن، ۶(۶۷).
- کریمی، حامد؛ میربد، علیرضا (۱۳۹۷). مختصات حقوق بشر در تمدن نوین اسلامی و تعهدات حکومت اسلامی در قبال آن. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱(۲).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). اصول کافی. مترجم: حسین استادولی. تهران: انتشارات دارالتقلین، ج ۱، چاپ چهارم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۱، چاپ بیست و یکم.
- موسوی بجنوردی، محمد؛ مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲). حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۵(۶۱).
- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۴). تمدن به مثابه سطح تحلیل. نقد و نظر، ۲۰(۴)، ص ۱۰۱-۱۳۱.
- والترز، مایکل (۱۳۹۱). در باب مدارا. ترجمه: نجفی صالح. تهران: انتشارات پردیس دانش.
- وحیدی‌مش، حمزه علی (۱۳۸۶). عناصر تمدن‌ساز دین اسلام. معرفت، شماره ۱۲۳.
- یزدی، علی محمد (۱۳۹۳). سیره پیامبر(ص) در برابر مخالفان از زبان قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.